

موفقیت به هر قیمتی مسئله این است!

آسیب‌شناسی بسترهای فرهنگی و
اجتماعی خودکشی دانش‌آموزان

فریبرز بیات

ارتقای در سلسله مراتب اجتماعی را به عنوان ارزش و هدف اصلی پذیرفته است.

چنین هدفی فرد را به تلاش و کوشش و رقابت نفس‌گیر برای دستیابی به موفقیت و پیشرفت وا می‌دارد. به طوری که در این راه هیچ قاعده و قانونی را نمی‌پذیرد، و تنها ملاک و معیار مهم برای او موفقیت از هر راه و به هر قیمتی است. نفع‌طلبی خودخواهانه، فزون‌طلبی و میل پایان‌ناپذیر به موفقیت مالی، شغلی و تحصیلی مجوز عبور از همهٔ مرزهای ارزشی است، زیرا معیار قضاوت و ارزشیابی فرد در جامعه، موفقیت در کسب چنین دستاورد مالی است و نه هیچ چیز دیگر.


در واقع گفتمان غالب و مسلط بر بخشی از جامعه «موفقیت به هر قیمتی» است. این گفتمان که حکایت از تسلط اقتصاد و ارزش‌های اقتصادی بر سایر نهادهای اجتماعی دارد، از نگاه و نگرش خاصی به توسعه ریشه می‌گیرد. از چنین دیدگاهی، توسعه یعنی رشد اقتصادی و نظام آموزشی نیز موظف است افراد را برای تحقق چنین هدفی تربیت کند. به همین دلیل موفقیت تحصیلی و کسب رتبه و نمره برای ارتقا به مراتب بالاتر از هر طریق و به هر روشی اصل می‌شود. نظام خانواده نیز چنین هدفی را پذیرفته است و با تزریق

چندی است شاهد شکل‌گیری موجی از خودکشی بین دانش‌آموزان هستیم. سال گذشته ۱۸ دانش‌آموز دست به خودکشی زدند و در نیمهٔ اول امسال هم تنها در یک ماه شاهد خودکشی چهار دانش‌آموز بودیم. اما این فقط آمار خودکشی‌های موفق است و احتمالاً تعداد دانش‌آموزانی که اقدام به خودکشی کرده، اما خوش‌بختانه موفق به این کار نشده‌اند، بسیار بیش از این‌هاست.

در واکاوی دلایل و انگیزه‌های شخصی این دانش‌آموزان به مسائل و موارد زیر برمی‌خوریم:

- ⊖ شکست در امتحان و ترس از عدم موفقیت تحصیلی؛
- ⊖ ناامیدی از قبولی در کنکور و ورود به دانشگاه؛
- ⊖ ترس از برآورده نکردن انتظارات والدین و مدرسه؛
- ⊖ ترس از سرزنش خانواده و دوستان؛
- ⊖ شرم از مقایسه با دوستان و هم‌سالان؛
- ⊖ نگرانی از تنبیه والدین؛
- ⊖ ناامیدی از آینده.

این دلایل و انگیزه‌های فردی خبر از یک مسئله و مشکل اجتماعی در نظام فرهنگی و ساختار ارزشی جامعه می‌دهد. به نظر می‌رسد نظام ارزشی و فرهنگی جامعه ما مدت‌هاست، «موفقیت و پیشرفت به هر قیمتی» و به‌ویژه موفقیت مالی و



گفتمان غالب و مسلط بر بخشی از جامعه «موفقیت به هر قیمتی» است. این گفتمان که حکایت از تسلط اقتصاد و ارزش‌های اقتصادی بر سایر نهادهای اجتماعی دارد، از نگاه و نگرش خاصی به توسعه ریشه می‌گیرد. از چنین دیدگاهی، توسعه یعنی رشد اقتصادی و نظام آموزشی نیز موظف است افراد را برای تحقق چنین هدفی تربیت کند. به همین دلیل موفقیت تحصیلی و کسب رتبه و نمره برای ارتقا به مراتب بالاتر از هر طریق و به هر روشی اصل می‌شود

که مورد نظر این یادداشت هستند، خود را مسئله و مشکل می‌دانند و با حذف خود سعی می‌کنند صورت مسئله را پاک کنند.

در مجموع تسلط اقتصاد، ارزش‌های اقتصادی و ادبیات اقتصادی در جامعه و بخشی از نهادهای اجتماعی به شکل‌گیری گفتمان «موفقیت به هر قیمتی» در جامعه منجر شده است. نهادهایی چون آموزش و پرورش، خانواده و حتی نهادهای مذهبی که باید با تأکید بر ارزش‌های اخلاقی، معنوی و فرهنگی تعدیل‌کننده ارزش‌های اقتصادی باشند و بر امیال خودخواهانه و رقابت‌های مخرب لگام بزنند، نیز در چنین فضا و جوی بسر می‌برند. حاصل تسلط گفتمان موفقیت به هر قیمتی، موجی از بزهکاری، ناهنجاری، قانون‌گریزی، قانون‌شکنی، پارتی‌بازی و فساد از یک سو، و سرخوردگی، انزوا، اعتیاد و خودکشی از سوی دیگر است.

دانش‌آموزان در این میان به دلیل موقعیت سنی و بحران نوجوانی، آسیب‌پذیرترین گروه محسوب می‌شوند. به همین دلیل نیز بیشترین قربانی گفتمان مذکور از بین دانش‌آموزان است. لازمه تغییر این شرایط و ایجاد تعادل و توازن نهادی و بازگشت نهادهای آموزشی و خانواده به ارزش‌های بنیادین خود، تغییر نگاه و نگرش نظام اجتماعی و مسئولان به توسعه است. تا چنین تحولی رخ ندهد باید شاهد افزایش چنین قربانیانی، نه تنها بین دانش‌آموزان، بلکه در جامعه باشیم.

انواع امکانات مادی و حمایت‌ها،

فرزندان خود را به منظور شرکت در رقابت شتابناک و نفس‌گیر برای موفقیت تشویق، ترغیب و آماده می‌کند.

در چنین شرایطی که همه اجزای نظام اجتماعی، اعم از خانواده، آموزش و پرورش، دولت و سایر نهادهای فرهنگی، چنین موفقیتی را اصل قرار می‌دهند و مرتب و به انحای گوناگون بر آن تأکید و اصرار می‌کنند، طبیعی است که دانش‌آموزان فشار بسیار بالایی را تحمل کنند و تحت چنین فشار هنجاری، در این رقابت نفس‌گیر کم بیاورند یا شکست بخورند و دچار استرس، اضطراب، ترس و نگرانی شوند.

واکنش‌های بچه‌ها به این ترس و نگرانی متفاوت است؛ برخی به راه‌های میان‌بر خلاف قواعد قانونی روی می‌آورند، برخی اصل درس و مدرسه را رها و ترک تحصیل می‌کنند تا به چنین مسابقه و رقابتی نه بگویند. برخی هم با سرخوردگی و افسردگی به اعتیاد روی می‌آورند تا مسئله و مشکل را به فراموشی بسپارند و اگر در دنیای واقعی به موفقیت نرسیده‌اند، توهم موفقیت را در دنیای خیال دنبال کنند. اما گروهی دیگر